

# دولت‌سازی در اندیشه شهید مزاری و بازتاب آن در قانون اساسی



سیدعلی مطهری

## مقدمه



در چند سال اخیر از شهید مزاری در عرصه سیاست و حکومت؛ به عنوان کسی که مسیر تاریخ سیاسی افغانستان را تغییر داد، مناسبات قدرت را انسانی ساخت، خواستار تحقق عدالت اجتماعی بود، اختلاف و جنگ بین اقوام را فاجعه خواند، به برابری میان اقوام ساکن در افغانستان باورمند بود، وحدت ملی را یک اصل می‌دانست، یاد می‌شود. به همین جهت، از سوی رئیس جمهور محمد اشرف غنی برای او لقب «شهید وحدت ملی» اعطا شد. به راستی ایشان از معدود شخصیت‌ها و رهبران سیاسی و جهادی معاصر افغانستان به شمار می‌رود که در شرایط سخت جنگ و نزاع، بی‌ثباتی و ناامنی و درگیری‌های مسلحانه نفس گیر و نابرابر، از ارزش‌ها و هنجارهای سیاسی، حقوقی و اخلاقی سخن می‌گوید. به طرف‌های جنگ و حکومت وقت، پیام‌های روشن از صلح و سازش مبتنی بر عدالت اجتماعی و برابری، مشارکت سیاسی همه اقوام، وحدت ملی و تأمین حقوق شهروندی می‌فرستد. تأکید می‌کند که جنگ و نزاع راه حل نیست؛ ما طرفدار صلح و ثبات دائمی در افغانستان هستیم. برخی از نویسندگان، اندیشه دولت‌سازی شهید مزاری را در معادله سه مجهولی؛ چون شریعت، عدالت و مردم بازخوانی و تعریف می‌کند. در این معادله عنصر شریعت؛ تبارز دهنده هویت دینی حکومت است و رکن عدالت؛ بنای رفتار حکومت با شهروندان را به

نمایش می‌گذارد و عنصر مردم؛ خاستگاه مشروعیت دولت را که بر پایه‌های رضایت مردمی استوار یافته است، تجلی می‌بخشد (بهبودی، ۱۳۹۲: ۷۵).

حیات سیاسی افغانستان، دارای فراز و فرودهای فراوان در عرصه حکومت‌داری و حکمروایی بوده است. تاریخ معاصر مملو از حکایت‌های تلخ و ناگوار از بی‌عدالتی‌ها و ستم‌های روا داشته شده از سوی حکومت و حاکمان وقت بر مردم این سرزمین است. مطالعه و ارزیابی دولت‌ها و نظام‌های سیاسی دوران معاصر افغانستان؛ یعنی از زمان تأسیس افغانستان نوین در سال ۱۷۴۷ میلادی و تشکیل نظام سیاسی پادشاهی مطلقه ۱۷۲ ساله، به این سو و به تعقیب آن، نظام سلطنتی مشروطه ۵۴ ساله تا تغییر آن به جمهوریت از نوع داوودخانی و شکل‌گیری جمهوری دموکراتیک کمونیست‌ها و سه نظام سیاسی با پسوندهای «اسلامی»؛ چون دولت اسلامی مجاهدین، امارت اسلامی طالبان، جمهوری اسلامی در حال حاضر (دانش، ۱۳۹۱: ۲۵۵-۲۶۳)؛ روایت‌گر نابسامانی‌های سیاسی، گسست‌های اجتماعی و رویدادهای تلخ و تاریک تاریخی از حکومت‌داری نامطلوب و دولت‌داری‌های غیرمدرن و غیرمردمی است.

اینک در بیست و چهارمین سالگرد از شهادت شهید وحدت‌ملی، استاد عبدالعلی مزاری قرار داریم. این سالگرد متقارن و مصادف با دو رخداد و موضوع مهم سیاسی و سرنوشت‌سازی شده است؛ یعنی برگزار شدن هفدهمین

و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی مکلف می‌داند. بدون شک، وحدت ملی بدون تأمین عدالت اجتماعی شکل نخواهد گرفت. به همین جهت، عدالت و عدالت اجتماعی، مسئله اصلی شهید مزاری در سیاست و قدرت بود. به باور وی؛ تاریخ گذشته این سرزمین هیچ‌گاه شاهد تحقق عدالت نبوده است؛ یعنی هم ساختار سیاسی غیر عادلانه بوده است و هم ساختار اداری آن و هم چنین هیچ وقت با شهروندان رفتار عادلانه صورت نگرفته است. در این باره می‌گوید: «هدف ما تشکیل

یک حکومت اسلامی، مردمی، فراگیر و مبتنی بر عدالت اجتماعی در افغانستان است.» (همان: ۸۲).

**۳. اصل وحدت ملی:** از این اصل کلیدی و بنیادی در مقدمه و مواد ششم و پنجاه و نهم قانون اساسی نام برده شده است و بر تحکیم وحدت ملی و حراست از آن تأکید شده است. شهید مزاری نیز وحدت ملی را یک اصل و محور اقتدار و توان ملی می‌دانست و بر همبستگی ملی در جهت حل بحران‌های سیاسی و نظامی کشور تأکید داشت. تفرقه بین اقوام را یک فاجعه می‌دانست و بر تدوین قانون مبتنی بر وحدت ملی اصرار داشت: «ما وحدت ملی را یک اصل می‌دانیم. برای برادرها توصیه می‌کنم، قانونی نسازند که وحدت ملی را در خطر بیندازد. (جاوید، ۱۳۹۶: ۱۶۱) ما معتقدیم که حکومت آینده نباید روی مذهب و نژاد به وجود آید. دشمنی ملیت‌ها فاجعه بزرگی در افغانستان است. این جا باید برادری ملیت‌ها مطرح گردد. من هیچ وقت نه شیعه گفته‌ام و نه سنی، بعد از این نیز نخواهم گفت. مطرح کردن شیعه و سنی یک بازی است.» (همان: ۱۱۸؛ ۲۰۰).

**۴. اصل حق شهروندی:** حقوق شهروندی، به تابعان یک کشور فارغ از رنگ، قومیت، نژاد، دین و طبقه‌شان تعلق می‌یابد و همگان، به صورت برابر و مساویانه از آن برخوردار می‌شوند. در فصل دوم قانون اساسی با رویکرد شهروندی محوری، بیش از سی و پنج ماده آن به حق‌ها و مسئولیت‌های شهروندی اختصاص یافته و موارد و مصادیق از این حقوق، به خوبی احصا شده است. از نظر شهید مزاری عدم تأمین حقوق شهروندی اتباع، ملیت‌ها و نادیده گرفتن آن‌ها در افغانستان، ریشه بحران و مشکلات در این سرزمین دانسته

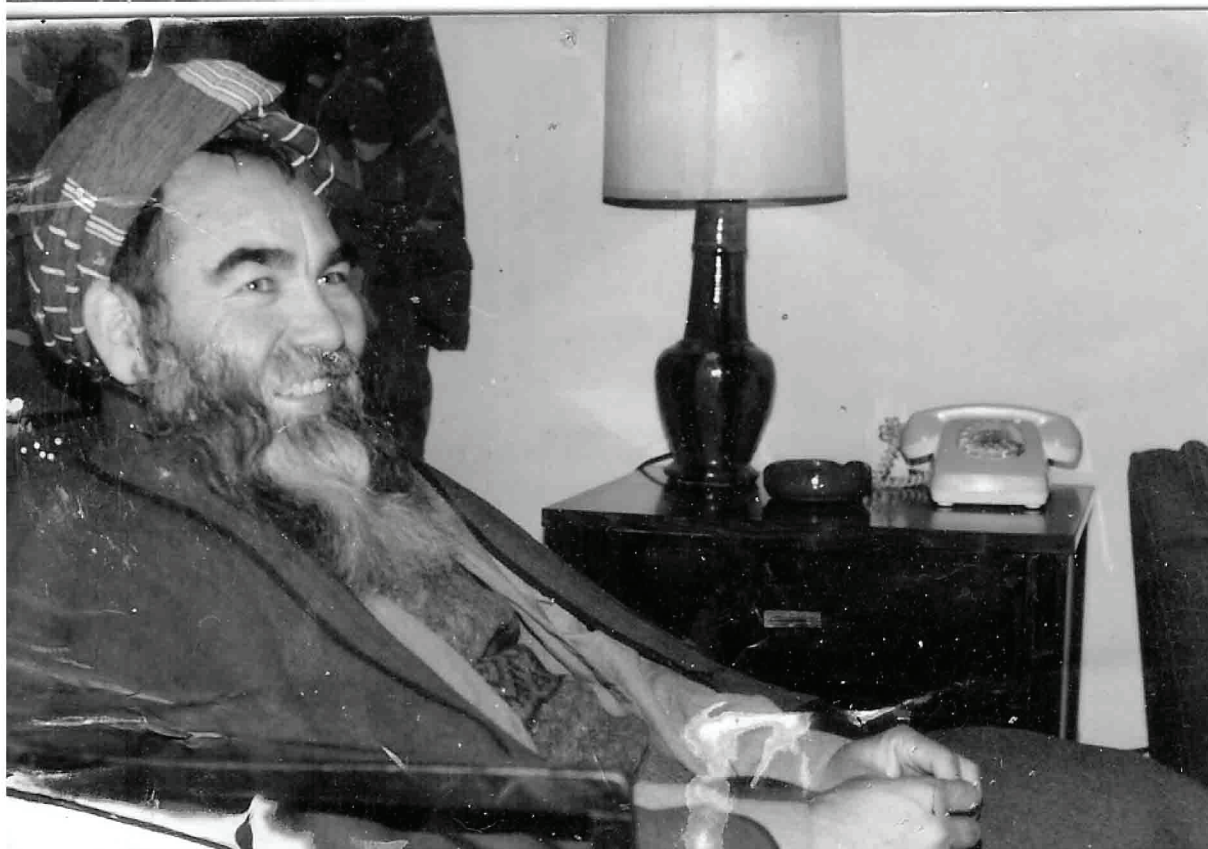
” ما معتقدیم که حکومت آینده نباید روی مذهب و نژاد به وجود آید. دشمنی ملیت‌ها فاجعه بزرگی در افغانستان است. این جا باید برادری ملیت‌ها مطرح گردد. من هیچ وقت نه شیعه گفته‌ام و نه سنی، بعد از این نیز نخواهم گفت.

“

انتخابات پارلمانی در سال ۱۳۹۷ و ثبت نام کاندیدان ریاست جمهوری افغانستان در سال ۱۳۹۸ خورشیدی. به همین جهت، شایسته و بایسته است که در این شرایط حساس و متفاوت از سال‌های قبل؛ یک بار دیگر، اندیشه‌ها و دیدگاه‌های شهید مزاری را در خصوص نظام سیاسی، مؤلفه‌های حکومت‌داری، ارزش‌های حقوق بشری و شهروندی به عنوان اصول دولت‌سازی به صورت گذرا مرور و احصا کنیم. البته یادآوری این نکته نیز لازم است که بخش‌های زیادی از مؤلفه‌های فکری و سیاسی شهید مزاری، در قانون اساسی کنونی افغانستان بازتاب یافته و بسیاری از آن شاخصه‌ها در جامعه، عینیت و تحقق یافته‌اند.

**۱. اصل جمهوریت و اسلامیت:** جمهوری؛ بهترین صورت حکومت دموکراسی است، چنان‌که نظام اسلامی خود خوب‌ترین دیدگاه ارزشی و ایدئولوژیک دینی در حکومت است. به همین جهت، جمهوریت و اسلامیت؛ به مثابه دو عنصر اصلی و پایه‌ای، معرّف نظام سیاسی افغانستان در قانون اساسی ذکر شده‌اند و در اولین ماده آن مورد تأکید قرار گرفته است. شهید مزاری، نیز با انتقاد از نظام‌های سیاسی گذشته، به صراحت اعلام می‌کند: «حکومت‌های گذشته نه حکومت اسلامی بوده‌اند و نه حکومت ملی» (جاوید، ۱۳۹۶: ۱۱۰-۱۱۷). چنان‌چه در جای دیگر، اسلامیت و ایجاد حکومت مبتنی بر آموزه‌های اسلامی را هدف اساسی خویش می‌داند: «هدف ما تشکیل یک حکومت اسلامی است. مصمم هستیم که در افغانستان یک حکومت اسلامی منتخب به وجود بیاید تا صلح و ثبات و آرامش را در منطقه اعاده کرده و عدالت اجتماعی در کشور را تحقق بخشد.» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۳۱).

**۲. اصل عدالت اجتماعی:** تاریخ گواه این مدعا است که عدالت به صورت عام، آرمان و آرزوی بشریت بوده و هست، امری که ریشه در فطرت انسان دارد و جوامع برای دوام خود نیازمند آن هستند. همچنان که عدالت اجتماعی به صورت خاص در همیشه تاریخ مورد توجه و تأکید اندیشمندان و عدالت‌خواهان بوده و هستند. در قانون اساسی افغانستان به این امر مهم به صورت ویژه توجه شده است. ماده ششم؛ دولت را به ایجاد یک جامعه مرفه



پرسشی جدی در مورد جرم بودن یک هویت قومی را مطرح می‌کند و می‌گوید: «وقتی اسلام وجود اقوام را صحنه گذاشته، پس چرا هزاره بودن جرم است؟» (جاوید، ۱۳۹۶: ۲۱۲) و با صدای رسا فریاد می‌زند: «ما می‌خواهیم که دیگر هزاره بودن جرم نباشد» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۱۳)

**۶. اصل رعایت حقوق اقلیت‌ها:** اقلیت‌ها و ملیت‌ها از جمله طیف‌هایی‌اند که در تمام نظام‌های حقوقی و سیاسی از تمام حقوق و امتیازاتی برخوردارند که دیگر اقوام و ملیت‌ها از آن بهره‌مند هستند. این موضوع در مواد مختلفی از قانون اساسی؛ از جمله در فقره ۳ ماده چهارم، بیستم، شانزدهم، یکصد و سی و پنجم بازتاب یافته و بر رعایت حقوق آنان تأکید شده است. شهید مزاری نیز رعایت حقوق ملیت و اقلیت‌ها را از مطالبات اصلی خود بیان می‌کند: «ما همیشه حقوق ملیت‌ها را خواسته‌ایم. حقوق ملیت‌ها به معنای برابری و برادری است نه به معنای دشمنی.» هم‌چنین از تأمین حقوق ملیت‌ها به‌عنوان راه حل سیاسی یاد می‌کند: «تا وقتی که حقوق ملیت‌های کشور تأمین نگردد، مشکل

شده است، چنین اظهار می‌دارد: «تا وقتی که حقوق ملیت‌های کشور تأمین نگردد، مشکل افغانستان و اختلافات سیاسی حل نمی‌گردد. ریشه اصلی تمام فاجعه‌ها در کشور، انحصارطلبی و نادیده گرفتن حقوق دیگران است.» هم‌چنین می‌گوید: «حق طبیعی همه مردم و ملیت‌های افغانستان این است که در تعیین سرنوشت آینده‌شان مشارکت داشته باشند و تصمیم بگیرند. حکومت‌های گذشته حکومت‌های مردمی و مبتنی بر اراده و انتخابات آزاد مردم نبودند.» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۷۴؛ ۱۳۱).

**۵. اصل کرامت انسانی:** کرامت انسانی؛ یعنی ارج و حرمتی که انسان، به خاطر انسان بودن از آن برخوردار شده است. این برخورداری، ارتباطی با عقیده، رنگ، نژاد و مانند این‌ها ندارد و حتی با ارتکاب جنایت و انکار و نافرمانی خداوند نیز این منزلت از آدمی سلب نمی‌شود. به همین جهت، کرامت انسانی خواستگاه حقوق بشر تلقی می‌شود. رعایت این اصل تلاپی در ماده ششم و بیست‌ونهم قانون اساسی تأکید شده است. بر همین اساس، شهید مزاری

افغانستان و اختلافات سیاسی حل  
نمی‌گردد.» (جاوید، ۱۳۹۶: ۱۵۴ -  
۱۸۱)، (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۲۴)

**۷. اصل مصالح و منافع ملی:**  
رعایت مصالح و منافع غلیبای ملی از  
اصول بنیادین قانون اساسی به  
شمار می‌رود. چنان‌که در ماده  
شصت و ششم، رئیس جمهور در  
اعمال صلاحیت‌های مندرج این  
قانون اساسی، مکلف به رعایت  
مصالح غلیبای مردم افغانستان  
دانسته شده است و مطابق ماده  
هشتاد و یکم، هر عضو شورای ملی

در موقع اظهار رأی، مصالح عمومی و منافع غلیبای مردم  
افغانستان را مدار قضاوت قرار می‌دهد. همچنین بر  
اساس ماده یک‌صد و یازدهم: لویه جرگه در حالاتی چون  
اتخاذ تصمیم در مورد مسائل مربوط به استقلال،  
حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و مصالح غلیبای کشور و...  
دایر می‌گردد. شهید مزاری نیز دقیقاً به همین مسئله  
پرداخته و تصریح می‌کند: «ما بر اساس مصالح و منافع  
مردم و کشور خود، خود تصمیم می‌گیریم. هر مردم، هر  
ملت و هر تنظیم سیاسی باید روی مصالح ملی خویش  
فکر کند.» (جاوید، ۱۳۹۶: ۱۲).

**۸. اصل برابری میان اقوام:** مساوات و برابری از اصول  
بنیادین و کلیدی پذیرفته شده در تمام نظام‌های حقوقی  
و سیاسی کشورها و دولت‌های مدرن است. ماده ششم  
قانون اساسی با توجه به تکثر و تعدد اقوام مختلف در  
افغانستان، دولت را به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی بر  
اساس عدالت اجتماعی، برابری بین همه اقوام و قبایل و  
انکشاف متوازن در همه مناطق کشور مکلف می‌کند.  
چنان‌که در ماده بیست و دوم نیز مقرر شده است که  
اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون، دارای  
حقوق و وجایب مساوی‌اند. در این باره، شهید مزاری نیز  
چنین تأکید می‌کند: «خواست ما تأمین عدالت، برابری  
و برادری میان مردم افغانستان است. می‌خواهیم کلیه  
مردم افغانستان از هر قوم و نژاد، با هر رنگ و زبان  
برادرانه و برابر زندگی کنند و حقوق حقه تمامی ملیت‌های  
افغانستان تأمین گردد.» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۸۲).

**۹. اصل نفی تبعیض:** وجود تبعیض و نابرابری در ساختار

”  
ما معتقدیم که حکومت آینده نباید  
روی مذهب و نژاد به وجود آید.  
دشمنی ملیت‌ها فاجعه بزرگی در  
افغانستان است. این جا باید برادری  
ملیت‌ها مطرح گردد. من هیچ وقت  
نه شیعه گفته‌ام و نه سنی، بعد از  
این نیز نخواهم گفت.

“

سیاسی و اجتماعی افغانستان از  
مشکلات عمده و تاریخی در این  
سرزمین به شمار می‌رود که بر  
بسیاری از شهروندان آن روا داشته  
شده است. این رفتار در ماده بیست و  
دوم قانون اساسی، به صراحت جرم  
انگاری و ناروا شمرده شده است: هر  
نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع  
افغانستان ممنوع است. شهید مزاری  
نیز این رفتار را عامل بدبختی مردم  
دانسته، چنین بیان می‌دارد: «ما  
می‌خواهیم ستم‌های چندین قرنه بر  
مردم افغانستان پایان یابد و جامعه‌ای  
به وجود آید که در آن از تبعیض، برتری

طلبی، تفاخر و افزون خواهی خبری نباشد و کلیه مردم  
افغانستان از هر قوم و نژاد، با هر رنگ و زبان برادرانه و برابر  
زندگی کنند و حقوق حقه تمامی ملیت‌های افغانستان  
تأمین گردد.» (همان: ۸۲).

**۱۰. اصل نفی انحصار طلبی:** انحصار طلبی و زیاده خواهی  
نیز از قصه‌های تلخ سیاسی و حقوقی در تاریخ معاصر  
افغانستان است که عامل بسیاری از بحران‌ها، مشکلات و  
سیاه‌روزی‌های شهروندان این سرزمین شده است. مطابق  
ماده چهارم قانون اساسی، حاکمیت ملی در افغانستان، به  
ملت تعلق دارد. ملت افغانستان عبارت است از تمام  
افراد که تابعیت افغانستان را دارا باشند و ملت متشکل از  
تمام اقوام ساکن در این کشور می‌باشند. شهید مزاری  
اصلی‌ترین مشکل و عامل رنج و بدبختی‌های مردم افغانستان  
را همین مسئله دانسته، بیان می‌دارد: «به فکر ما علت تمام  
بدبختی‌ها این است که بعضی از رهبران با انحصار طلبی و  
جاه طلبی برخورد می‌کنند و هیچ‌گاه به منافع مردم  
نمی‌اندیشند. در گذشته مردم ما از یک محرومیت تاریخی  
رنج می‌بردند و در تمامی زمینه‌های سیاسی، فرهنگی،  
عمرانی و اجتماعی بر آن‌ها ستم روا داشته شده است و انواع  
گوناگون تبعیض و مظالم وجود داشته است که همه آن‌ها  
نتیجه حکومت قبایلی و سیستم انحصاری قدرت بوده  
است.» (همان: ۱۱۴؛ ۱۱۶). در جای دیگر به صراحت اعلام  
می‌دارد: «ما حقوق مردم خود را می‌خواهیم و انحصار رانفی  
می‌کنیم.» (جاوید، ۱۳۹۶: ۹۰)

**۱۱. اصل انتخابات:** انتخابات که همانا حق انتخاب کردن  
و حق انتخاب شدن باشد، اصلی‌ترین رکن دموکراسی و

”

دولت مردمی وقتی به وجود می‌آید که انتخابات برگزار شود و این انتخابات، آزاد باشد و مردم آزادانه رأی بدهند که در این صورت دولت پایه مردمی پیدا می‌کند و قانونی است.

“

اصلی خود دانسته، می‌گوید: «ما سه چیز در افغانستان می‌خواهیم: رسمیت مذهب تشیع؛ سهم بودن مردم ما در اداره سیاسی کشور و تعدیل واحدهای اداری.»

**۱۳. اصل انسانی‌سازی سیاست و قدرت:** انسانی شدن قدرت و سیاست از آرمان‌های دیرینه بشر است. منظور از انسانی‌سازی سیاست؛ تشکیل حکومت مبتنی بر انتخابات عمومی و فراگیر، آزاد و با تکیه بر حقوق شهروندی، کرامت‌مداری، به دور از تعلقات و مرزبندی‌های قومی، نژادی، مذهبی و حزبی است که همه شهروندان در آن به دور از تبعیض و نابرابری جنسیتی یا قومی و نژادی و یا زبانی و سمتی و مذهبی دارای حقوق انسانی برابرند. در مقدمه قانون اساسی و بسیاری از مواد آن به این اصل تأکید شده است. شهید مزاری نیز با تکیه بر این اصل به حضور همه و حقوق همه در سیاست و قدرت، می‌گوید: «ما حقوق همه ملیت‌ها را می‌خواهیم. ما حقوق ملیت‌های محروم را می‌خواهیم و از آن دفاع می‌کنیم. حقوق ملیت‌ها به معنای برابری و برادری است. اگر ملیتی حقوق خود را طلب نموده و خواستار عدالت باشد، به معنای تجزیه‌طلبی نیست.» (غفاری‌لعلی، ۱۳۹۶: ۸۲) ضمن باور به عدم حذف مردم از قدرت و سیاست، در مورد نارسایی‌ها و پیامدهای حکومت‌های گذشته چنین می‌گوید: «انشاءالله که در سیاست آینده کسی شما را حذف نمی‌تواند و شما خواهید بود. در گذشته مردم ما از یک محرومیت تاریخی رنج می‌برده و در تمامی زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، عمرانی و اجتماعی بر آن‌ها ستم روا داشته شده است و انواع گوناگون تبعیض و مظالم وجود داشته است که همه آن‌ها نتیجه حکومت قبایلی و سیستم انحصاری قدرت بوده است.»

**۱۴. اصل حاکمیت قانون:** وجود قانون اساسی در همه دولت‌های مدرن، به خصوص در کشورهای پیرو نظام

بهترین مکانیزم مشارکت مردم در تعیین سرنوشت‌شان در سیاست و قدرت به شمار می‌رود. دموکراتیک شدن نظام‌های سیاسی از مؤلفه‌های بنیادین و اصلی دولت‌های مدرن محسوب می‌شود. این مسئله در قانون اساسی به بهترین وجه آن انعکاس یافته و به ملت صلاحیت و حق داده است که در تمام موارد مهمی مربوط به حاکمیت سیاسی، تصمیم بگیرند. به همین جهت است که در مواردی چون انتخابات ریاست جمهوری، پارلمانی، شورای ولایتی، شورای السوالی، شورای قریه، شاروالان و مجالس شاروالی مشارکت مردم و اراده آنان تجلی می‌یابند. شهید مزاری نیز از انتخابات به عنوان شکل‌دهنده نظام و دولت مردمی یاد می‌کند و آن را راه حل مشکلات افغانستان دانسته، اظهار می‌دارد: «دولت مردمی وقتی به وجود می‌آید که انتخابات برگزار شود و این انتخابات، آزاد باشد و مردم آزادانه رأی بدهند که در این صورت دولت پایه مردمی پیدا می‌کند و قانونی است.» (غفاری‌لعلی، ۱۳۹۶: ۲۹؛ ۴۱). تنها راه حل مسئله افغانستان را در انتخابات آزاد می‌دانیم. مردم باید سرنوشت خویش را خودشان تعیین نمایند.» (جاوید، ۱۳۹۶: ۱۴۸ / غفاری‌لعلی، ۱۳۹۶: ۲۴۳)

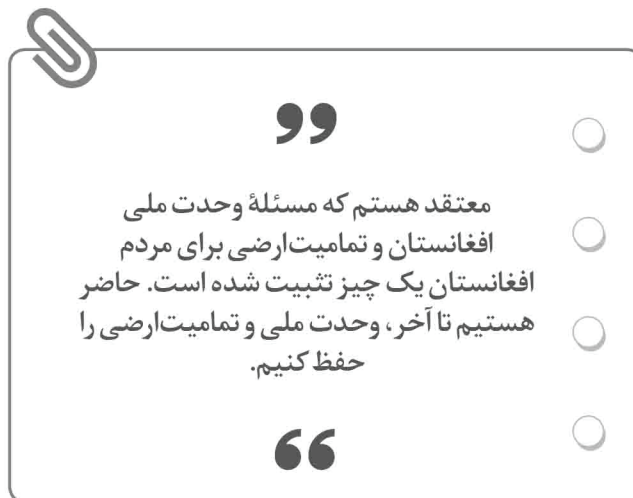
**۱۲. اصل تعدیل واحدهای اداری:** ایجاد ادارات محلی که بیشتر بر بنیاد روابط غیرعادلانه و غیرانسانی تأسیس یافته است، از جمله مشکلات سیاسی، اداری و تاریخی نظام اداری افغانستان به شمار می‌رود. بنابراین، اصلاح و تعدیل اداره‌ها مبتنی بر معیارهایی چون تعداد نفوس، وضع اجتماعی و اقتصادی و موقعیت جغرافیایی یک امر ضروری است. قانون‌گذار با درک این معضل، موادی را در راستای حل آن در قانون اساسی جدید اختصاص داده است. چنان‌که در ماده یک‌صد و سی و ششم مقرر شده است: «اداره جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس واحدهای اداره مرکزی و ادارات محلی، طبق قانون، تنظیم می‌گردد. اداره مرکزی به یک عده واحدهای اداری منقسم می‌گردد که در رأس هر کدام یک نفر وزیر قرار دارد. واحد اداره محلی، ولایت است. تعداد، ساحه، اجزا و تشکیلات ولایات و ادارات مربوط، بر اساس تعداد نفوس، وضع اجتماعی و اقتصادی و موقعیت جغرافیایی توسط قانون تنظیم می‌گردد.» شهید مزاری نیز بر این امر تأکید می‌دارد: «برای دایر شدن انتخابات، باید مسئله نفوس و واحدهای اداری مورد بحث قرار گیرد تا حقوق مردم به طور عادلانه در نظر گرفته شود و ضایع نگردد.» (جاوید، ۱۳۹۶: ۱۵۰). «همه مردم افغانستان، انتخابات را می‌خواهند؛ ولی مشکل در این جا است که واحدهای اداری گذشته ظالمانه بوده است.» (غفاری‌لعلی، ۱۳۹۶: ۲۲۰).

هم‌چنین تعدیل واحدهای اداری را به عنوان یکی از سه خواسته

عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تأمین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور مکلف است. شهید مزاری با تأکید بر مشارکت همه اقوام در تصمیم‌گیری سیاسی در حکومت، اظهار می‌دارد: «ما می‌خواهیم که کلیه ملیت‌های این سرزمین هویت سیاسی داشته باشند و با توافق و شرکت آن‌ها، حکومت آینده سازماندهی گردد. ما مصمم هستیم که یک حکومت با شرکت همه اقوام به وجود بیاوریم. ما معتقد هستیم که هر کس روی تمامیت‌ارضی افغانستان و روی وحدت ملی افغانستان فکر می‌کند، باید با واقعیت‌های عینی جامعه برخورد کند و تمام جریان‌های سیاسی و اقوام و ملیت‌ها را در نظر بگیرد.» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۳۴۲). «اگر اقوام ساکن در افغانستان، هویت و شخصیت و حقوق همدیگر را نفی نکنند، دیگر مشکلی وجود ندارد. تمام جنجال‌ها و درگیری‌ها بر سر همین مسئله امتیازطلبی و حذف همدیگر است.» (جاوید، ۱۳۹۶: ۲۱۳). «ما عاشق قیافه هیچ کس نیستیم، فقط می‌خواستیم مردم ما در تصمیم‌گیری سیاسی این کشور سهیم باشند.» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۱۷؛ ۷۴).

**۱۶. اصل استقلال و تمامیت ارضی:** استقلال و تمامیت ارضی به عنوان دو اصل بنیادین در تمام نظام‌های سیاسی و حقوقی هم به لحاظ داخلی و هم از نظر بین‌المللی مطرح است. مفهوم و معنای واقعی «حاکمیت» به مثابه عنصر اصلی سازنده دولت-کشور، در همین دو اصل خلاصه می‌شود. در قانون اساسی به صورت مکرر بر این دو اصل تأکید شده است. در موادی متعدد از قانون اساسی، حراست و دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور از وظایف اساسی دولت شمرده شده است. دولت باید سیاست خارجی کشور را بر مبنای حفظ استقلال، منافع ملی و تمامیت ارضی تنظیم کند. شهید مزاری، مبارزه همه‌جانبه برای رسیدن به استقلال و حفظ تمامیت ارضی را لازم دانسته، بیان می‌دارد: «معتقد هستیم که باید کار سیاسی، فرهنگی و اقتصادی صورت بگیرد، تا زمینه استقلال فراهم گردد. معتقد هستیم که مسئله وحدت ملی افغانستان و تمامیت ارضی برای مردم افغانستان یک چیز تثبیت شده است. حاضر هستیم تا آخر، وحدت ملی و تمامیت ارضی را حفظ کنیم.» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۲۹۲؛ ۳۱۹).

**۱۷. اصل آزادی رسانه و مطبوعات:** امروزه آزادی مطبوعات و رسانه‌ها در تمام کشورها؛ از حقوق شهروندی به‌شمار می‌رود. آزادی مطبوعات و رسانه در دولت‌های مدرن از مؤلفه‌های توسعه سیاسی و رکن چهارم دموکراسی در هر



حقوقی رومی-جرمنی یا همان نظام حقوقی نوشته، یک ضرورت انکارناپذیر پنداشته می‌شود و اصل حاکمیت قانون در همه نظام‌ها بلااستثناء از مؤلفه‌های اصلی دولت‌داری مدرن به شمار می‌رود. به همین جهت، قانون اساسی کنونی افغانستان نیز به عنوان عالی‌ترین سند سیاسی و حقوقی، مطابق به واقعیت‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی کشور و مقتضیات عصر، تدوین یافته و بر اصل حاکمیت قانون در همه عرصه‌ها در آن تأکید شده است. شهید مزاری نیز با تکیه و تأکید بر تشکیل حکومت مبتنی بر قانون، از ارزش‌های مهم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که باید در قانون اساسی آینده کشور درج شود، سخن می‌گوید: «ما خواستار یک حکومت اسلامی مبتنی بر قانون و عدالت اجتماعی در افغانستان هستیم که در آن حقوق همه مردم افغانستان به تناسب نفوس و میزان حضورشان در حیات سیاسی اجتماعی کشور تأمین گردد.» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۸۸) «اگر حکومت قانونی به وجود بیاید که حقوق تمام ملیت‌ها را در نظر بگیرد، جنگ تمام خواهد شد. اگر قانونی تدوین شود که حقوق ملی داخل کشور را تأمین و تضمین نکرده باشد، این قانون اساسی نیست. برای برادرها توصیه می‌کنم، قانونی نسازند که وحدت ملی را در خطر بیندازد.» (جاوید، ۱۳۹۶: ۱۵۹).

**۱۵. اصل مشارکت ملی و هویت خواهی:** مشارکت ملی از پایه‌های دموکراسی در نظام‌های مردم‌سالار شمرده می‌شود. حضور همه اقوام در ساختار سیاسی در کشورهای کثیرالاقوام؛ به معنای قائل شدن هویت سیاسی برای آنان است. مطابق قانون اساسی کنونی، «افغانستان واحد و یک‌پارچه به همه اقوام و مردم این سرزمین تعلق دارد.» از همین رو، دولت به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس

به عنوان یک مکانیزم بیرون رفت از مشکلات افغانستان یاد می‌کند و بر قبول یکدیگر فرا می‌خواند: «تنها مسئله‌ای که در افغانستان باعث اختلافات و درگیری‌ها شده است، انحصارطلبی‌ها و عدم پذیرش یکدیگر است. راه حل مسئله افغانستان پذیرش یکدیگر است.» (همان: ۲۳۶) «راه حذف در افغانستان تمام شده است و کسی نمی‌تواند ملیتی، حزبی و یا مذهبی را حذف کند.» (جاوید، ۱۳۹۶: ۲۰۱) در جای دیگر تأکید می‌کند که حق خواهی به معنای تجزیه‌طلبی نیست: «اگر ملیتی حقوق خود را طلب نموده و خواستار عدالت باشد، به معنای تجزیه‌طلبی نیست. این حق طبیعی مردم است که خواستار حقوق خویش و عدالت باشند.»

#### نتیجه:

با دقت و توجه به مثلثی چون ایده، قانون و دولت که در این نوشته به صورت گذرا بازخوانی شد و از آن به گزاره‌هایی هم چون «افکار و اندیشه‌های دولت‌داری شهید مزاری»، «اصول بنیادین و ارزش‌های مندرج در قانون اساسی جدید افغانستان» و «بنیان‌ها و مؤلفه‌های دولت‌سازی و حکومت مدرن» تعبیر شد، می‌توان برآیند آن را ارتباط نزدیک و پیوند عمیق این سه گزاره در افغانستان کنونی دانست. پاسداشت از اندیشه‌های دولت‌داری شهید مزاری و به کارگیری آن در قانون اساسی و حکومت‌داری، یک ضرورت انکارناپذیر در نظام سیاسی و حقوقی ما است. هم‌چنین تطبیق و عملی کردن مفاهیم و ارزش‌های حقوق بشری از پیش نیازهای اصلی یک دولت‌مدرن و نوید بخش آن در افغانستان است.

#### منابع:

۱. بهبودی، مرتضی (۱۳۹۲). مزاری‌نامه. اصفهان: نشر دیجیتال، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
۲. جاوید، محمد جاوید (۱۳۹۶). احیای هویت: مجموعه سخنرانی‌های شهید مزاری. کابل: نشر واژه.
۳. دانش، سرور (۱۳۹۱). حقوق اساسی افغانستان. کابل: مؤسسه تحصیلات عالی ابن سینا.
۴. غفاری لعلی، عبدالله (۱۳۹۶). فریاد عدالت: مجموعه مصاحبه‌های شهید وحدت ملی استاد عبد العلی مزاری. کابل: بنیاد اندیشه.
۵. قانون اساسی افغانستان. جریده رسمی شماره مسلسل ۸۱۸. مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۸ خورشیدی.

جامعه محسوب می‌شود. آزادی به عنوان یک حق شهروندی در قانون اساسی جدید به رسمیت شناخته شده است. در ماده سی و چهارم چنین مقرر شده است: آزادی بیان از تعرض مصون است. هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام این قانون اظهار نماید. هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی، بپردازد. شهید مزاری، با اشاره به وضعیت و شرایط موجود در عصر مدرن، بر اهمیت مسئله آزادی مطبوعات چنین تأکید می‌کند: «از نظر تمدن بشری و قوانین بین‌المللی من فکر می‌کنم که امروز یک مسئله پذیرفته شده در سطح جهان است که مطبوعات آزاد باشد و هرکس باید طبق برداشت‌های سیاسی و عقیدتی‌اش، عقیده خود را منعکس نماید.» (همان: ۲۷۹).

**۱۸. رعایت حقوق زن:** زنان که بخش بزرگی از جامعه را تشکیل می‌دهند، همسان مردان، دارای حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی‌اند. حقوق زنان، دارای حوزه گسترده و وسیع است. حقوق زن در حوزه خصوصی ناظر به موضوعاتی چون ازدواج، فسخ آن، ارث و حضانت فرزند و در حوزه عمومی شامل حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی او است. حقوق عمومی زنان به صورت مطلوب در قانون اساسی جدید انعکاس یافته است که زنان در تمام عرصه‌های سیاسی و اجتماعی می‌توانند مشارکت نمایند. شهید مزاری نیز بر حمایت از زنان و حقوق سیاسی و اجتماعی آنان تأکید ورزیده، بیان می‌دارد: «زنان از کلیه حقوق انسانی برخوردار هستند و می‌توانند در همه عرصه‌های حیات اجتماعی - سیاسی کشور فعال باشند، انتخاب شوند و انتخاب کنند. این عادلانه نیست که مردان در انتخابات شرکت کنند و زنان محروم باشند.» (همان: ۴۱؛ ۶۲)

**۱۹. اصل همدیگرپذیری:** همدیگرپذیری، تسامح، تساهل و مدارا از آموزه‌های ارزشمند اخلاقی در حوزه زیست اجتماعی به‌شمار می‌رود. این اصل در دولت‌های مدرن و متمدن به مثابه ارزش حقوقی و قانونی به خوبی رعایت می‌شود و جزء فرهنگ اجتماعی شهروندان آن‌ها محسوب می‌شود. در قانون اساسی جدید، مفاهیمی چون وحدت ملی، عدالت اجتماعی، کرامت انسانی، تأمین حقوق انسانی، مساوات و برابری همه شهروندان درج شده است که هر یک می‌تواند ضرورت رعایت اصل همدیگرپذیری را به خوبی تفسیر و معنا کند. شهید مزاری نیز از این اصل